

پژوهش در تاریخ، سال چهاردهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

حرم شاه عبدالعظیم و موقوفات آن در زمان صفویان^۱

نوبوآکی کندو

ترجمه: فرشید نوروزی^۲

حمیدرضا آریانفر^۳

۱. مقدمه:

یکی از ویژگی‌های برجسته تاریخ صفویان در ایران، پذیرش رسمی مذهب تشیع از سوی این دودمان است. دولت صفوی برای گسترش و نهادینه‌سازی تشیع، تدابیر گوناگونی به کار بست؛ از جمله دعوت از علمای شیعه عرب از خارج از مرزهای ایران و حمایت از آیین‌ها و مناسک مذهبی شیعی. در این چارچوب، بقاع امامان شیعه و فرزندان آنان - که در باور شیعیان واجد اهمیت دینی و عاطفی ویژه‌ای هستند - مورد توجه و احترام ویژه صفویان قرار گرفتند. با آنکه در برخی پژوهش‌ها به حمایت دولت صفوی از آستانه مشهد در دوره‌های سلطنت شاه طهماسب و شاه عباس^۴ پرداخته شده؛

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Kondo, N. (2015), "The Shah 'Abd al-'Azim Shrine and its Waqf under the Safavids" in Mapping Safavid Iran, edited by Nobuaki Kondo, Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa (ILCAA), Tokyo.

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
farshidnorozi20@gmail.com

۳. استادیار، بنیاد ایرانشناسی، تهران، ایران
aryanfar278@gmail.com

4. Robert D. McChesney, "Waqf and Public Policy: The Waqfs of Shah 'Abbas, 1011-1023/

1602-1614." Asian and African Studies 15 (1981): 169-70, 181-82; Tomoko Morikawa, "The Mausoleum City of Mashhad-i Muqaddas under Safavid Rule (in Japanese)," Shirin 80 (1997): 167-207; Zahra Talaei, "The Political Structure

اما در مورد تأثیرگذاری این دولت بر دیگر زیارتگاه‌های شیعی، به‌ویژه در مناطقی چون پیرامون تهران، پژوهش‌های اندکی تا قرن نوزدهم میلادی صورت گرفته است. به‌ویژه، بررسی تطبیقی تحولات زیارتگاه‌ها در دوره‌های پیشاصفوی و پسا صفوی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.^۵ پژوهش حاضر به مطالعه تاریخی یکی از زیارتگاه‌های برجسته جنوب تهران، یعنی آستانه شاه عبدالعظیم، اختصاص دارد. این پژوهش به بررسی تحولات آستانه در پی استقرار دولت صفوی، آثار سیاسی و مذهبی آن بر نهادهای زیارتی، و نیز وضعیت این آستانه پس از زوال صفویان می‌پردازد. یکی از محورهای اصلی تحلیل، توجه به وقف‌های اختصاص یافته به آستانه و نقش آن‌ها در تأمین مالی و استمرار کارکردهای مذهبی و اجتماعی آن است. بررسی نحوه سازمان‌دهی و پشتیبانی مالی این نهاد دینی از رهگذر وقف، امکان بازسازی جایگاه اقتصادی و اداری آستانه در بستر مناسبات دولت صفوی را فراهم می‌سازد. در نهایت، مقاله بر نقش دولت صفوی در تقویت این آستانه و نیز سهم آن در فرایند تشیع ساختاری تأکید می‌ورزد.

در منظومه اعتقادی و سیاست مذهبی صفویان، آستانه شاه عبدالعظیم پس از آستانه‌های مشهد و قم، سومین زیارتگاه مهم به شمار می‌رفت.^۶

and Patronage of the Astan-i Quds-i Razavi in the Reign of Shah Tahmasb,” Iran 52 (2014): 205–17. May Farhat, “Shi‘i Piety and Dynastic Legitimacy: Mashhad under the Early Safavid Shahs,” Iranian Studies 47 (2014): 201–216

۵. می‌توان رساله‌های فرحت و سوگی‌یاما را استثنا دانست. هر دو بازه‌های زمانی طولانی‌تری را در بر می‌گیرند، هرچند فرحت به بررسی وقف آستانه نپرداخته است. افزون بر این، هیچ‌یک از این دو، دوره‌های پیشاصفوی و پسا صفوی را به‌طور هم‌زمان در نظر نمی‌گیرند. نگاه کنید به:

May Farhat, “Islamic Piety and Dynastic Legitimacy: The Case of the Shrine of Ali al-Rida in Mashhad (10th–17th Century)” (Ph. D dissertation, Harvard University, 2002); Ryuichi Sugiyama, “The Development and the Waqf of the Imam Reza Shrine from the late Safavid to the late Qajar Periods (in Japanese)” (Ph.D. dissertation, Keio University), 2010

۶. میرزا رفیع انصاری، دستور الملوک، به‌کوشش ایرج افشار، در: دفتر تاریخ، جلد اول،

در میان منابع فارسی، آثار هدایتی و عقیلی از جمله مهم‌ترین آثارى‌اند که مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد تاریخی مرتبط با آستانه شاه عبدالعظیم را در خود گرد آورده‌اند.^۷ افزون بر این، مجموعه‌ای ۲۳ جلدی که از همایش بزرگداشت شاه عبدالعظیم منتشر شده، حاوی مطالب مهمی درباره تاریخ این آستانه است.^۸

۲. پیش از دوره صفویه

عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن الحسن پیش از سال ۸۱۵ م/۱۹۹ ق احتمالاً در مدینه به دنیا آمد. وی از اصحاب امام نهم، محمدجواد و امام دهم، علی الهادی بود و از هر دو امام احادیث زیادی نقل کرده است. بنا بر شواهد تاریخی، وی پیش از سال ۸۶۸ خورشیدی در ری درگذشته است.^۹ اندکی پس از درگذشت او، آرامگاهش به زیارتگاهی برای شیعیان بدل شد. بر پایه کتیبه‌ای که به تازگی شناسایی شده، این آرامگاه در اواخر قرن نهم هجری به طور کامل به دستور زید بن علی علوی بازسازی شده است.^{۱۰}

ابن قولویه (متوفی ۹۷۶ م.) پس از توصیف حرم ائمه و حرم حضرت معصومه در قم، از مقبره عبدالعظیم به عنوان مکان مورد احترام یاد می‌کند.^{۱۱} صاحب بن عباد (متوفی ۹۹۵ م.)، وزیر آل بویه، رساله‌ای کوتاه در مورد عبدالعظیم

به‌کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۸۰-۲۰۰۲)، صص. ۴۹۴-۴۹۶.
۷. محمدعلی هدایتی، آستانه ری: مجموعه اسناد و فرامین، تهران، ۱۳۴۴ ش / ۱۹۶۵-۶۶ م؛ عبدالله عقیلی، تاریخ آستانه ری، قم، ۱۳۸۰ ق / ۱۹۹۱-۹۲ م. متن‌های ویرایش شده اسناد منتشر شده در این آثار، نیازمند دقت و بررسی انتقادی‌اند و باید با تصاویر نسخه‌های اصلی اسناد مقابله و تطبیق داده شوند.

۸. مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم (قم، ۱۳۸۲ ش / ۲۰۰۳ م)، ۲۷ جلد.
9- Encyclopaedia Iranica, s.v. 'Abd al-'Azim al-Hasani by Wilfred Manderung;
عقیلی، تاریخ آستانه ری، ص. ۵۱.

۱۰. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، دفتر دائرةالمعارف تاریخی ایران در دوره اسلامی: جلد ۲: بنای آرامگاهی (تهران، ۱۳۷۸ ش / ۱۹۹۸-۹۹ م)، ص. ۳۶۷. برای زندگی‌نامه محمد، رجوع کنید به Encyclopaedia Iranica, s.v. "Da'i al-Haqq, Abu 'Abd Allah Mohammad" by Wilfred Madelung.

11. Ibn Qulawayh, Kamil al-Ziyarat (Najaf, 1356/1937-8), 324.

نوشته و او را «صاحب مشهد» می‌خواند.^{۱۲} وزیر سلجوقی، مجدالملک براوستانی قمی (متوفی ۱۰۹۹-۱۰۹۸ م.) در قرن دهم، هم‌زمان با ساخت گنبد برای حرم‌های آل محمد، گنبدی برای حرم عبدالعظیم بنا کرد.^{۱۳} مردم شیعه در ری در طول قرن دوازدهم همراه با زیارت دو امامزاده دیگر در ری، عبدالله و حمزه، به زیارت حرم نیز می‌رفتند.^{۱۴} حرم توسط ساکنان شیعه در ری که اکثریت منطقه نیز بودند، حمایت می‌شد.^{۱۵}

دیرینه‌ترین سند شناخته‌شده در پیوند با موقوفات آستانه شاه عبدالعظیم، فرمانی سلطنتی به تاریخ ۹۳۲ خورشیدی (۱۵۵۴ م.) است که در دوره شاه‌طهماسب صفوی صادر شده است. در این فرمان از وقفی نام‌برده می‌شود که به فردی به نام طغرل نسبت داده شده است. بنا بر محتوای این سند، طغرل قریه‌ای به نام مبارک‌آباد - که بنای آستانه در آن واقع بوده - را وقف آستانه کرده و فردی به نام سید شرف‌الدین را به‌عنوان متولی آن برگزیده است.^{۱۶} اگرچه اسامی مندرج در این فرمان، کلی و فاقد ویژگی‌های دقیق شناسایی‌اند، با این‌همه، قرائن موجود حاکی از آن است که این وقف، احتمالاً پیش از سده هفتم هجری یا در همان دوران بنیان نهاده شده و از این‌رو، کهن‌ترین نمونه وقف برای این آستانه به شمار می‌آید.

فرمان سلطنتی مورخ ۹۳۲ خورشیدی (۱۵۵۴ م.) به تفصیل به چهارده موقوفه دیگر متعلق به دوره پیشاصفوی اشاره دارد که در جدول شماره ۱ فهرست

۱۲. اسماعیل بن عباد، «رسال‌های در فضل حضرت عبدالعظیم»، در: شناخت‌نامه حضرت عبدالعظیم حسنی و شهر ری، به‌کوشش سیدمجتبی صفی و علی‌اکبر زمانی‌نژاد (قم، ۱۳۸۲ ش / ۲۰۰۳ م)، صص. ۱۱-۲۵.

۱۳. عبدالجلیل قزوینی رازی، النقض: بعض مسائل النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، به‌کوشش میر جلال‌الدین محدث (تهران، ۱۳۵۸ ش / ۱۹۸۰ م)، صص. ۲۱۹-۲۲۰.

۱۴. رازی، النقض، ص. ۵۸۸.

۱۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، به‌کوشش فرید عبدالعزیز الجندی (بیروت، بی‌تا)، ج. ۳، ص. ۱۳۲؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب: المقالة الثالثة، به‌کوشش گای لسترنج (تهران، ۱۳۶۲ ش / ۱۹۹۳-۴ م)، ص. ۵۴.

۱۶. هدایتی، آستانه ری، ص. ۹۰.

شده‌اند.^{۱۷} تمام املاک موقوفه یادشده مرتبط با سید شرف‌الدین حسین و فرزندش، سید علی‌شاه، بوده‌اند که احتمالاً در قرن چهاردهم هجری قمری می‌زیستند. از مجموع این املاک، هشت مورد به طور مستقیم توسط سید شرف‌الدین حسین وقف شده و دو ملک دیگر نیز وقف‌هایی بودند که به نام دیگران ثبت شده اما تحت نظارت وی به‌عنوان متولی موقوفات اداره می‌شدند. همچنین، سید علی‌شاه به‌عنوان متولی موقوفات چهار روستا منصوب شده بود. به بیان دیگر، بخش عمده‌ای از موقوفات قدیمی آستانه شاه‌العظیم، از جمله موقوفات کلیدی این مجموعه، در قرن چهاردهم بنیان نهاده شده و پیوندی تنگاتنگ با این سلسله پدر و پسر داشته‌اند.

جدول شماره ۱: موقوفات مربوط به حرم شاه‌العظیم قبل از دوره صفویه

مزرعه	واقف	زمان	جزئیات
مبارک‌آباد / خیرآباد	طغرل	۱۳ م.	متولی: سید شرف‌الدین مزی ملزومات حرم
آیرین (غار) ۱/۴	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	یک سوم: برای متولی و اولادش دو سوم: برای خانقاه، قنات و نگهداری
آیرین (غار) ۳/۴	کیا ابوالقاسم بن کیا جمال‌الدین تهرانی	۱۴ م.	یک سوم: برای متولی سید شرف‌الدین حسین
علائین (غار) ۱/۳	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	یک سوم: برای متولی و اولادش دو سوم: خانقاه، خادم، مؤذن، حفاظ، نگهداری
علائین (غار) ۱/۶	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	یک سوم: برای متولی و اولادش دو سوم: نگهداری
علائین (غار) ۱/۶	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	متولی: اولادش ملزومات حرم پس از پرداخت حقوق متولی

۱۷. فرمان شاه طهماسب به تاریخ رجب ۹۶۱ق در هدایتی، آستانه ری، صص. ۸۶-۹۱.

مزرعه	واقف	زمان	جزئیات
آبه / ده خیر ۱/۳	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	متولی: اولادش دو سوم: ملزومات حرم، نگهداری
بند کردن (شهریار) ۱/۳	امیر فولاد قایابگ	۱۴ م.	متولی: سید شرف‌الدین حسین برای ملزومات حرم، نگهداری
شرقی / شاهی ۱/۳	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	متولی: اولادش برای ملزومات حرم
هوس نه (بهنام) ۱/۲	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	متولی: اولادش ملزومات حرم بعد از پرداخت حقوق متولی
دز (غار) ۱/۳	سید شرف‌الدین حسین	۱۴ م.	متولی: خودش و اولادش برای ملزومات حرم
مافتان (غار) ۱/۲	خواجه امیر قیا؟	۱۴ م.	یک‌سوم: برای متولی (سید علی‌شاه) دو سوم: فقرا، گرسنگان
مافتان (غار) ۱/۲	امیر فولاد قیا بگ	۱۴ م.	یک‌سوم: برای متولی (سید علی‌شاه) دو سوم: فقرا، گرسنگان
بی‌بی مریم (غار) ۱/۳	امیر قیا	۱۴ م.	یک‌سوم: برای متولی (سید علی‌شاه) دو سوم: فقرا، گرسنگان
عین‌آباد (بهنام)	پیرعلی	۱۴ م.	یک‌پنجم: برای متولی (سید علی‌شاه) چهار پنجم: فقرا

این امر جای شگفتی ندارد، چراکه بر پایه شواهد موجود، در همین دوره تاریخی، یکی دیگر از رجال سادات به همراه فرزند خویش موقوفه‌ای گسترده در ولایت یزد ایجاد کردند.^{۱۸} در دوره‌های بعد، نسل‌های پسین آنان

۱۸. اسناد این مجموعه موقوفات با عنوان جامع‌الخیرات شناخته می‌شوند. نگاه کنید به: Akio Iwatake, "The Waqfs of the Nizam Family in Fourteenth-Century Yazd (in Japanese)," Shirin 72(1989): 313-58; Ann Lambton, "Awqaf in Persia: 6th-8th/12th-14th Centuries," Islamic Law and Society 4 (1997): 313-15

که با عنوان «سادات آستانه» شناخته می‌شدند، هم‌چنان بر موقوفات قدیمی نظارت و اداره داشتند. مطابق مفاد اسناد وقفی، متولیان این موقوفات معمولاً معادل یک‌سوم از عواید موقوفات را به‌عنوان مستمری دریافت می‌کردند؛ از این‌رو، موقوفات منبعی پُرسود و پایدار برای این خاندان سادات به‌شمار می‌رفت.

دو نفر دیگر از واقفان با سرنخ‌هایی قابل‌شناسایی هستند: یکی فولاد / پولاد قیا و دیگری کیا ابوالقاسم. دو نفر به نام‌های فولاد / پولاد قیا بودند در قرن چهاردهم می‌زیستند: یکی از امیران اویغور ایلخان الجایتو (۱۶-۱۳۰۴ سلطنت) بود^{۱۹} و دیگری امیر محلی اویغور بود که در نیمه دوم قرن چهاردهم بر نواحی اطراف ری حکومت می‌کرد.^{۲۰} دلیلی برای توضیح اینکه چرا یک امیر اویغوری سه روستا را وقف حرم عبدالعظیم کرد، نداریم. آیا او به تشیع ارادت داشت؟ شاید به‌عنوان یک حاکم محلی می‌خواست به حرم محلی مانند عبدالعظیم کمک کند. از سوی دیگر، گیاه‌ها از خانواده سیدی سرشناس از منطقه گیلان بودند.^{۲۱} نام کیا ابوالقاسم تهرانی را در منابع تاریخی نمی‌توان یافت؛ اما نام پدرش کیا جمال‌الدین در کتاب تاریخ خاندان مرعشی و ذیل وقایع ۱۳۴۳/۷۴۳ وجود دارد.^{۲۲} در اصل، گیاه‌ها به مذهب شیعه زیدی تعلق داشتند؛ طبعی است که آن‌ها شاه عبدالعظیم را به‌اندازه‌ای تحسین می‌کردند که بتواند یک وقف با سهم سه سوم از یک روستا ایجاد کند. هم فولاد /

۱۹. ابوالقاسم کاشانی، تاریخ الجایتو، به‌کوشش مهین همبلی (تهران، ۱۳۸۴/۲۰۰۵)، صص. ۹، ۶۷، ۱۰۹.

۲۰. اولیاءالله آملی، تاریخ رویان، به‌کوشش منوچهر ستوده (تهران، ۱۳۴۸/۱۹۶۹)، ص. ۱۹۳؛ میر تیمور مرعشی، تاریخ خاندان مرعشی مازندران، به‌کوشش منوچهر ستوده (تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی/۱۹۷۷-۸ میلادی)، صص. ۱۷۳، ۲۱۷.

۲۱. برای اطلاع درباره خاندان کیا، بنگرید به:

Yukako Goto, "Der Aufstieg zweier Sayyid-Familien am Kaspischen Meer: 'Volksislamische' Stromungen in Iran des 8/14. und 9/15. Jahrhunderts," Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes 89 (1999): 45-84.

۲۲. مرعشی، تاریخ خاندان مرعشی، ص ۴۲.

پولاد قیا و هم کیا ابوالقاسم، سید شرف‌الدین حسین یا سید علی‌شاه را به‌عنوان متولی وقف تعیین کردند.

اگرچه وقف برای حرم در قرن چهاردهم رونق گرفت؛ اما سابقه‌ای از وقف در قرن بعد وجود ندارد. شاهرخ، فرمانروای تیموری، دو بار در سال‌های ۱۴۲۸-۱۴۲۹ و ۱۴۴۷ م. به زیارت حرم شاه‌عبدالعظیم رفته‌بود.^{۲۳} این نشان می‌دهد فرمانروای سنی‌مذهبی مانند شاهرخ نیز این حرم را محترم داشته است. با این حال، تا قرن پانزدهم هیچ حکومتی برای حرم وقفی ایجاد نکرد. به نظر می‌رسد که این حرم توسط سیدهای محلی و جامعه شیعیان محلی حمایت می‌شد. این وضعیت پس از ظهور سلسله شیعی صفویان، به صورت کامل تغییر کرد.

۳. حکومت صفویه

در متن شیعی روضة الشهداء^{۲۴} که در اوایل قرن شانزدهم نوشته شده است، بیان شده که مردم در حرم عبدالعظیم برای طلب ثواب دعا می‌کردند.^{۲۵} به هر حال مدتی طول کشید تا صفویان به صورت مستقیم در حرم ایفای نقش داشته باشند. دست‌کم هیچ سابقه‌ای از دخالت شاه اسماعیل در حرم ثبت نشده است. به احتمال زیاد، دلیل آن حضور نوربخشیه در ری بوده است.

نوربخشیه فرقه صوفیه شیعه بود که توسط سید محمد نوربخش (متوفی ۱۴۶۴ م.) ایجاد شده بود.^{۲۶} او در دربار حسین بایقرا حاکم تیموری در هرات

۲۳. عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرين، به‌کوشش عبدالحسین نوائی (تهران، ۱۳۸۳/۲۰۰۴)، ج ۲، ص ۳۹۱.

Abu Bakr Tihrani, Kitab-i Diyarbakriyya, ed. Necati Lugal and Faruk Sümer (Ankara, 1999), 1:290

24. The garden of martyrs.

۲۵. حسین واعظ کاشفی، روضة الشهداء (تهران، ۱۳۴۹/۱۹۷۰-۷۱)، ص ۴۰۱.

۱. برای آگاهی درباره نهضت نوربخشیه، بنگرید به:

shahzad Bashir, Messianic Hopes and Mystical Visions: the Nurbakhshiya between Medieval and Modern Islam (Columbia, 2003).

حضور یافت؛ اما در سال‌های پایانی عمر به ولایت ری رفت. پسر و جانشین او شاه قاسم (متوفی ۱۵۲۰ م.) در ولایت ری اقامت داشت و از جمله ساداتی بود که به صورت ویژه‌ای مورد تحسین شاه اسماعیل بود. شاه قاسم در آنجا زمین‌های زیادی در اختیار داشت و از شاه نیز سیورغال می‌گرفت.^{۲۷}

جانشین شاه قاسم، شاه قیام‌الدین بن شاه شمس‌الدین نیز در ولایت ری سکنی داشت. شاه قیام‌الدین برای شورش علیه صفویان به جمع‌آوری اسلحه پرداخت و محل سکونت خودش را مستحکم کرد. این امر باعث شد شاه‌طهماسب در سال ۱۵۳۹-۱۵۳۸ م. به ری سفر کند. شاه، شاه قیام‌الدین را اسیر کرد و سپس به قتل رساند. به همین مناسبت شاه‌طهماسب به زیارت حرم عبدالعظیم رفت و این نخستین سابقه زیارت شاهان صفوی از حرم است.^{۲۸}

۴. شاه‌طهماسب و دو اداره وقف

پیوند صفویان با حرم عبدالعظیم به همین دلیل آغاز شد. یک منبع دیگر نوشته است که شاه‌طهماسب در سال ۱۵۳۷ م. دروازه (ایوان) و ورودی (رواق) حرم را ساخت.^{۲۹} این کار کاملاً نمادین است؛ زیرا با چرخش ایدئولوژیک صفویان هم‌زمان است. صفویان فرقه صوفیان را سرکوب و تقریباً در همان زمان، شروع به حمایت از حرم عبدالعظیم کردند.

عواید وقف قدیمی حرم هم‌چنان در اختیار سادات حرم بود. سمت آن‌ها که به‌عنوان «مدیریت قانونی عواید وقف قدیمی حرم» (تولیت شرعی موقوفات

۲۷. غیاث‌الدین خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیر فی أخبار أفراد البشر، به‌کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران، ۱۳۶۲/۱۹۸۴)، ج. ۴، صص. ۶۱۱-۶۱۲؛ اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به‌کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۳۴/۱۹۵۶)، ص. ۱۴۵.
۲۸. قاضی احمد قمی، خلاصه‌التواریخ، به‌کوشش احسان اشراقی (تهران، ۱۳۵۹/۱۹۸۰)، ص. ۲۷۳.

۲۹. محمدباقر واعظ کجوری، روح و ریحان یا جنت النعیم و العیش السالم، به‌کوشش سید صادق حسینی اشکوری (قم، ۲۰۰۳/۱۳۸۲)، ج. ۴، صص. ۱۰۹، ۱۱۲.

قدیمی آن سرکار) ذکر شده بود، با فرامین سلطنتی شاهان صفوی تأیید شد. فرمان سلطنتی شاه طهماسب در سال ۱۵۴۴ م. نگرش او را نسبت به سادات حرم بیان می‌کند.^{۳۰} این فرمان شامل سیزده عریضه^{۳۱} از سوی سادات بود و شاه به هر عریضه پاسخ داد. شاه طهماسب در پاسخ به این درخواست قول داد که بیست و چهار کاروانسرا و یک بیمارستان برای زائران بسازد. وی همچنین قصد داشت در جاده اصلی حرم بیست مغازه بسازد. به نظر می‌رسد حرم شاه‌عبدالعظیم پس از ظهور صفویان، بازدیدکنندگان و زائران بیشتری را به خود جلب کرد.

برخی از عریضه‌ها مربوط به امور مالی بود. در عریضه اول، سادات شکایت کردند که عواید وقف از چهار روستا به آن‌ها نمی‌رسد.^{۳۲} به‌عنوان مثال، فرماندار محلی، درآمد حاصل از روستای دنگاه آستارا^{۳۳} را با صدور سند پرداخت (حوالات) برای مقاصد دیگر می‌برد. همچنین نوزده تومان که باید توسط خزانه سلطنتی (خزانه شاهنشاهی) پرداخت می‌شد، به حرم تحویل داده نشد. شاه دستور داد صدور حواله را متوقف کنند و نوزده تومان از خزانه سلطنتی را به حرم تحویل دهند. در عریضه هشتم، سادات از شاه خواستند سهم مالیات یک‌سوم دهکده ده خیر^{۳۴} را که ملک وقفی آستان بود، به حرم ببخشند؛ این مالیات پیش‌ازاین به دیوان خاصه (سرکار خاصه شریفه) پرداخت می‌شد. شاه این درخواست را پذیرفت. در آخرین عریضه، سیدها شکایت کردند که دهکده ایلمان، دهکده سیورغال مختص حرم به‌جای

۳۰. فرمان سلطنتی شاه طهماسب به تاریخ ذیحجه ۹۵۰ ق. در هدایتی، آستانه ری، صص. ۷۷-۸۱. متن هدایتی تمام اعداد مالی (سیاق) را حذف کرده است که این اعداد را من خوانده‌ام.

31. Petition.

۳۲. هدایتی عبارت «چیزی وصل شده» را خوانده است، ولی باید «چیزی وصل نشده» باشد.
۳۳. احتمالاً این آبادی همان است که آسترواح نام دارد و توسط شاه قلی مهرداد وقف شده است.
نگاه کنید به موارد زیر.

۳۴. این آبادی در فاصله هفت کیلومتری شمال ری قرار داشت. دایره جغرافیایی ستاد ارتش، فرهنگ جغرافیایی ایران (تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی/۱۹۷۶)، ج. ۱، ص. ۹۳.

۹ تومان مالیات ثبت شده، تنها چهار تومان درآمد مالیاتی داشت. آن‌ها از شاه می‌خواهند ۲۰۰۰ دینار مالیات بر احشام و دام (مرائی) روستا را به‌عنوان غرامت به حرم تحویل دهد، شاه نیز اجازه این کار را داد.

با این حال شاه طهماسب چند عریضه از سادات را رد کرد. در عریضه دهم، سادات التماس کردند که شاه حق کشت با قنات ایلمان جدید را که سادات با تلاش فراوان آن را تعمیر کردند، به آن‌ها بدهد که شاه پاسخ داد قنات جدیدی که برای حرم خریده متعلق به خود شاه است، نه بخش وقف (قدیمی) حرم که توسط سادات نظارت می‌شود. در فرمان سلطنتی سه بار به اداره مالی جدید حرم اشاره شده است. مثلاً شاه دستور داد درآمد مالیاتی ترسان آباد معادل ۶۹۰۴ دینار پس از لغو تیول حسین خان سلطان،^{۳۵} باید برای اداره جدید پرداخت شود.

این بخش‌های مالی قدیم و جدید حرم، نشان‌دهنده سیاست وقفی صفویان است. در دوره صفویه دو نوع وقف وجود داشت. یکی شرعی (به معنای واقعی کلمه، قانونی) بود که توسط متولیان که در اسناد وقفی مشخص شده بودند، نظارت می‌شد. حکومت صفوی حق نداشت برای این موقوفات قانونی متولی تعیین کند. دیگری تفویضی (به معنای واقعی کلمه، امانت) بود که یک وقف حکومتی بود که تحت نظارت صدر، رئیس اداره مذهبی حکومت صفوی بود.^{۳۶} در زمان صفویان پنج حرم بزرگ از جمله شاه عبدالعظیم دارای متولیان منصوب حکومتی بودند.^{۳۷} اداره مالی جدید حرم مطهر، مربوط به این وقف تفویضی بود و توسط مدیران منصوب حکومت نظارت می‌شد، در حالی که اداره مالی موقوفات قدیمی هم‌چنان در اختیار سادات بود.

۳۵. این فرد ممکن است همان حسین خان سلطان روملو باشد که یکی از واقفان حرم است. ن. ک به موارد زیر.

۳۶. انصاری، «دستورالملوک»، ص ۴۹۳.

۳۷. انصاری، «دستورالملوک»، صص ۴۹۶-۴۹۷. چهار حرم دیگر عبارت بودند از: مشهد، قم، آرامگاه‌های صفوی در قم و اردبیل.

واضح است که شاه طهماسب قصد داشت وقف جدید یا وقف تفویضی را که توسط مدیر منصوب حکومت اداره می‌شد، توسعه دهد. متأسفانه هیچ مدرکی از دوره صفویه وجود ندارد که حاوی اطلاعاتی در مورد وقف جدید باشد. باین حال، فرمان سلطنتی اشرف افغان به تاریخ ۱۷۲۷م، درآمد تفصیلی اداره وقف جدید را نشان می‌دهد.^{۳۸} وقف جدید شامل هشت روستا، یک باغ، یک آسیاب و مغازه‌ها و غیره بود. درآمد مالیاتی حاصل از سه روستای وقف قدیمی نیز به اداره وقف جدید منتقل شد. از آنجاکه وقف قدیمی متشکل از ۱۴ روستا بدون هیچ درآمدی از مالیات یا املاک شهری بود، می‌توانیم اندازه اداره وقف جدید و قدیم را تقریباً یکسان در نظر بگیریم.

جدول شماره ۲ درآمدهای موقوفات جدید حرم عبدالعظیم

(ت: تومان، د: دینار. ۱ ت = ۱۰۰۰۰۰ د. خ: خروار = ۳۰۰ کیلوگرم، م: من = حدود ۳ کیلوگرم)

انواع درآمد	ثبت	سال ۱۷۲۷-۸	درصد
درآمد وقف از روستاها: ایلمان، خرازیل، استروه، دولاب	ت ۱۱۳ د ۶۶۶۶	د ۸۶۰۰ ت ۹۹	۵۹,۴۰٪
	خ ۱۱۵۰ من ۶۰	خ ۷۲۳	۵۷,۳۰٪
درآمد مالیاتی از روستاها: ده خیر، محمودآباد، عماد آور، و غیره	د ۰۶۲۵ ت ۱۵	د ۴۲۴۸ ت ۸	۵,۰۰٪
	من ۱۸ خ ۳۹۵	من ۸۱ خ ۲۸۱	۲۲,۳۰٪
باغ، آسیاب آبی	د ۳۰۰۰ ت ۸	د ۱۰۰۰ ت ۸	۴,۸۰٪
	من ۴۰ خ ۲۶	من ۴۰ خ ۱۷	۱,۴۰٪
مغازه‌ها، و غیره	د ۲۶۴۰ ت ۲۶	ت ۱۰	۵,۹٪
	من ۹۲ خ ۴		
	۰,۳۰٪		

۳۸. فرمان سلطنتی اشرف افغان به تاریخ ذیحجه ۱۱۴۰ ق، منتشر شده در: عبدالله عقیلی، «فرمان اشرف افغان و موقوفات آستانه حضرت عبدالعظیم»، وقف، میراث جاویدان، شماره ۲۸ (۱۳۷۸/۲۰۰۰): صفحات ۷۳-۸۵؛ همان، تاریخ آستانه ری، صص. ۲۸۹-۳۰۶.

انواع درآمد	ثبت	سال ۸-۱۷۲۷	درصد
روستاهای وقفی: مردآباد، اسکل، زرنندان، چار خرز	د ۹۷۷۱ ت ۳۰۷	د ۸۱۰۰ ت ۴۱	٪۲۴،۹۰
	من ۷۱ خ ۳۳۶	من ۶۶ خ ۲۶۰	٪۱۹،۰۰
جمع	ت ۴۷۱ د ۲۷۰۲	ت ۱۶۸ د ۱۹۴۸	٪۱۰۰
	من ۸۱ خ ۱۹۱۳	من ۸۷ خ ۱۲۶۲	٪۱۰۰

فرمان اشرف همچنین نشان می‌دهد اداره وقف قدیمی به صورت موروثی در دست نوادگان شرف‌الدین حسین بوده است، درحالی‌که وقف جدید به ساداتی مانند ملاجلال تهرانی، سپرده شده بود. در میان تواریخ صفوی فقط یک نام از مدیران وقف جدید یافتیم: ملا خلیل‌الله قزوینی (متوفی ۹-۱۶۷۸). وی یک عالم اخباری برجسته بود و در سن سی سالگی برای مدتی به سمت متولی‌گری وقف جدید منصوب شد.^{۳۹} به عبارت دیگر، اداره وقف جدید حرم نه در دست خانواده‌ای خاص، بلکه بر عهده‌ی مدیران منفردی بود که توسط حکومت منصوب می‌شدند. با وجود اینکه هر دو وقف در راستای منافع حرم تأسیس شده بودند؛ اما ویژگی‌های هر یک کاملاً متفاوت بود.

به‌طور همیشگی مشخص نیست که آیا در هیچ دوره‌ای یک نفر هر دو اداره وقف را نظارت می‌کرد یا نه. گاهی اوقات، منابع به موقعیت متولی اشاره می‌کنند بدون اینکه به «قدیمی» یا «جدید» بودن آن توجه دهند. آخرین سندی که به بخش‌های وقف جدید و قدیمی اشاره دارد، فرمان شاه‌طهماسب

۳۹. محمد طاهر وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، به‌کوشش سید سعید میر محمد صادق (تهران، ۱۳۸۳/۲۰۰۵)، ص ۷۷۴؛ عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء (قم، ۱۴۰۱/۱۹۸۰-۸۱)، ج. ۲، ص ۲۶۱. عقیلی اصرار دارد که ایشیک‌آقاسی‌باشی، هم منصب حکمرانی ری و هم اداره موقوفات آستانه را در قرن دهم هجری بر عهده داشته است (یعنی موقوفات تفویضی)، اما این ادعا پایه و اساسی ندارد. عقیلی، تاریخ آستانه ری، صص ۱۹۴، ۲۰۴. مقایسه کنید با:

Klaus-Michael Röhrborn, Provinzen und Zentralgewalt Persiens im 16. und 17. Jahrhundert (Berlin, 1966), 29, 72.

دوم به تاریخ ۱۷۳۰ م. است. طبق این فرمان، میرزا محمدعلی حسینی سمت متولی شرعی (قدیمی) آستان مقدس را بر عهده داشت، در حالی که متولی منصوب حکومت (متولی تفویضی) میرزا نظام بود.^{۴۰}

فرمان سلطنتی شاه سلطان حسین در سال ۱۷۲۱ م. چگونگی نظارت بر اموال واقف جدید را مشخص کرد. روستای وقفی نارمین، که درآمد دوازده تومانی آن به عنوان مستمری (وظیفه) به سادات محلی داده می شد، به ویرانی افتاد و هیچ سودی نداشت. بنابراین، شاه تصمیم گرفت همان دوازده تومان درآمد از روستای وقفی دیگر، آب باریک،^{۴۱} به سادات تحویل داده شود. از درآمد روستای وقفی، ابتدا باید مالیات (مال و جهات) پرداخت شود و سپس، پس از کسر هزینه های ضروری برای کشت، یک دهم آن به شاه (سرکار خاصه شریفه) به عنوان حق التولیه پرداخت شود. سپس، باقی مانده ی درآمد باید به عنوان مستمری (وظیفه) توسط سادات گرفته شود. مسئولین اداره املاک وقفی در ری (مباشترین موقوفات ولایت ری) باید درآمد آب باریک را جمع آوری کرده و مستمری های سادات را به آنها تحویل می دادند.^{۴۲} در اینجا، املاک وقف جدید نه توسط متولیان آستان مقدس، بلکه توسط مأموران ایالتی اداره می شد و حق تولیت نیز نه به متولیان آستان، بلکه به شاه پرداخت می گردید.

۵. نظارت حکومت بر حرم

حکومت صفوی نه تنها اداره وقف جدید را ایجاد کرد؛ بلکه از طریق فرمان هایی که توسط شاهان و صدرها صادر می شد، بر حرم نیز نظارت داشت. در سال های ۱۶۵۶-۱۶۵۵ میلادی، شاه عباس دوم فرمانی صادر

۴۰. فرمان سلطنتی شاه طهماسب دوم به تاریخ ربیع الثانی ۱۱۴۳ ق، در هدایتی، آستانه ری، صص. ۱۰۵-۱۰۶.

۴۱. این روستا در هفت کیلومتری جنوب غرب ورامین واقع شده است. دایره جغرافیایی، فرهنگ جغرافیایی، ج. ۱، ص. ۱۰.

۴۲. فرمان سلطنتی شاه سلطان حسین به تاریخ جمادی الثانی ۱۱۳۳ ق، در عقیلی، تاریخ آستانه ری، صص. ۲۸۷-۲۸۵.

کرد که بر اساس آن، سیورغالی معادل ۵۳ تومان و ۱۵۳۰ دینار به آستان مقدس عبدالعظیم اهدا شد. به طور یقین، سیورغال آشکارا از وقف‌ها متمایز بود: منابع سیورغال عمدتاً از درآمدهای مالیاتی، روستاهای وقفی متعلق به آستان، تأمین می‌شد.^{۴۳} این فرمان حاوی فهرست تفصیلی روستاها و درآمد سیورغال از آن‌ها بود. سیورغال به دودسته تقسیم می‌شد: «قدیم» و «جدید». سیورغال جدید توسط سلطان محمد خدابنده (حکومت ۱۵۷۸-۱۵۹۶ م.) اعطا شده بود. به احتمال زیاد، این دسته‌بندی‌های جدید و قدیم سیورغال، با بخش‌های وقف قدیمی و جدید مطابقت داشتند. فرمان با رضایت میرزا محمد مهدی صدرالممالک صادر شد. اگر جدول ۳ را با جدول ۲ مقایسه کنیم، کل مبلغ سیورغال فقط چهار درصد از کل درآمد اداره وقف جدید در دفتر ثبت را تشکیل می‌داد.^{۴۴}

جدول شماره ۳ - سیورغال برای آستان مقدس عبدالعظیم در سال‌های ۱۶۵۵-۱۶۵۶م.

	وجه نقد	کالا	جمع کل
جدید	د ۵۹۰۰ ت ۱۱	د ۲۳ ت ۳۷۷۴	د ۹۶۷۵ ت ۳۴
قدیم	د ۲۵۰۰ ت ۷	د ۹۳۵۹ ت ۱۰	د ۱۸۵۹ ت ۱۸
جمع کل	د ۸۴۰۰ ت ۱۸	د ۳۱۳۰ ت ۳۴	د ۱۵۳۰ ت ۵۳

با این حال، این سیورغال وضعیت مالی روستاهای متعلق به آستان مقدس را پیچیده‌تر کرد. به عنوان مثال، کل روستای آسترویه^{۴۵} در سال ۱۵۵۴م. در ۴۳. من نمی‌توانم نظر ویلم فلور را بپذیرم؛ چرا که او منابع فارسی را به اشتباه تفسیر کرده است: «در اینجا یک مورد واضح وجود دارد که اصطلاحات وقف و سیورغال بدون هیچ تمایز معناداری به کار رفته و بنابراین مترادف‌اند.»

Willem Floor, A Fiscal History of Iran in the Safavid and Qajar Periods 1500-1925 (New York, 1998), 60.

۴۴. فرمان سلطنتی شاه عباس دوم به تاریخ ۱۰۶۶ ق، در هدایتی، آستانه ری، ص ۹۷. اینجا نیز هدایتی هیچ عدد مالی‌ای را رونویسی نکرده است؛ من به نسخه مصور اصل فرمان مراجعه کرده‌ام.

45. Astruhah.

میان روستاهای متعلق به بخش وقف قدیمی فهرست شده بود.^{۴۶} باین حال، طبق فرمان اشرف خان در سال ۱۷۲۸، نیمی از این روستا متعلق به بخش وقف جدید بود و در دفتر ثبت، درآمدی معادل ۲۰ تومان و ۶۸۰ دینار نقد و ۴۰۷ خروار و ۶۰ من اجناس داشت.^{۴۷} احتمالاً نیمی دیگر از این روستا در بخش وقف قدیمی باقی ماند. علاوه بر این، درآمد مالیاتی روستا که معادل ۲ تومان و ۸۰۱۲ دینار نقد و ۶ تومان و ۸۴۶۸ دینار اجناس بود، سیورغال آستان مقدس محسوب می شد و به هر دو بخش وقف قدیمی و جدید می رسید.^{۴۸} بنابراین، برخلاف نظر عقلی^{۴۹} به سختی می توان این روستا را صرفاً یک روستای وقف قدیمی در نظر گرفت.

احکام صدر (مثال) نشان می دهد که صدرها چگونه در اداره حرم دخالت می کردند.^{۵۰} فرمان میر عبدالصالح رضوی صدرالممالک در سال ۱۶۷۰ م. نشان می دهد که آن ها نه تنها اطلاعات دقیقی در مورد تغییرات در متولی قدیمی موقوفه (از سید علی شاه به پسرش جلال الدین محمد) داشتند، بلکه صدر در سال خروس (۱۶۷۰-۱۶۶۹ م.) نیز بررسی (نسق) املاک موقوفه را انجام داد که نشان داد قنات شاه خراب شده و درآمدی ندارد. باین حال، از آنجا که قنات شاه در همان سال احیا شد، صدرالممالک طی فرمانی دستور

۴۶. هدایتی این نام را «بروهه» خوانده است، اما من با پیروی از عقلی، آن را «استروهه» می خوانم. هدایتی، آستانه ری، ص ۸۸؛ عقلی، تاریخ آستانه ری، ص ۱۳۴.

۴۷. عقلی، «فرمان اشرف افغان»، ص ۷۷؛ همان، تاریخ آستانه ری، ص ۲۹۷.

۴۸. فرمان سلطنتی شاه عباس دوم به تاریخ ۱۰۶۶ قمری.

۴۹. عقلی، تاریخ آستانه ری، صص ۱۵۳-۱۵۲.

۵۰. برای آگاهی کلی درباره ی صدور، بنگرید به:

Willem Floor, "The Sadr or Head of the Safavid Religious Administration, Judiciary and Endowments and Other Members of the Religious Institution," Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft 150 (2000): 461-500.

برای فرمان هایی که از سوی صدور صادر شده اند، بنگرید به:

حسین مدرسی طباطبایی، مثال های دوره صفویه (قم، ۱۳۵۳ ش/۱۹۷۴ م)؛ امید رضایی، جستارهایی در سندناسی فارسی (تهران، ۱۳۸۵ ش/۲۰۰۶ م)، صص ۶۱-۳۳.

می‌دهد که درآمد حاصل از قنات ثبت شود، یک سوم آن به عنوان حقوق به متولی قدیمی موقوفه پرداخت شود و دو سوم باقی مانده طبق مقررات مصرف شود.^{۵۱}

فرمان دیگری از صدر که در سال ۱۷۱۹ م. صادر شده، به حقوق خادم و سرکشیک مربوط می‌شود. میرقاسم و برادرش، میرمحمد رفیع، پس از مرگ پدرشان، هر کدام ۸ خروار و ۵۰ من غله دریافت می‌کردند. دوم، پس از درگذشت میرقاسم، میرمحمد رفیع با حفظ همان حقوق به سمت سرکشیک منصوب شد، و میرزاعلی رضا، پسر میرقاسم، با دریافت همان حقوق به عنوان خادم تعیین گردید. سوم، میرزاعلی رضا ناپدید شد و برادرش، سید احمد، درخواست کرد با همان حقوق به عنوان خادم منصوب شود؛ بنابراین، با موافقت مدیر حرم، جلال الدین محمد، صدر، سید احمد را به عنوان خادم حرم منصوب کرد. یک مأمور حکومتی به نام مستوفی موقوفات نیز در این فرایند مشارکت داشت.^{۵۲}

حرم دارای دو بخش وقفی بود که یکی از آن‌ها وقف شرعی بود و به طور کلی، صدرها در امور آن دخالت نمی‌کردند. باین حال، صدرها بررسی اموال وقفی را انجام می‌دادند و کارکنان حرم را منصوب می‌کردند. می‌توان گفت حرم از طریق صدرها به خوبی توسط حکومت نظارت می‌شد.

۶. وقف های فردی

به جز وقف جدید سلطنتی که در بالا ذکر شد، هفت وقف از دوره صفویه در

۵۱. فرمان میر ابوالصالح رضوی، صدرالممالک، به تاریخ ذی الحجه ۱۰۸۰ ق، در: هدایتی، آستانه ری، صص ۹۹-۱۰۱. هرچند هدایتی این سند را فرمان سلطنتی شاه سلیمان دانسته، اما از طغرا به روشنی پیداست که این فرمان از سوی صدر صادر شده است.

۵۲. فرمان صدر به تاریخ ذی قعدة ۱۱۳۱ ق در: عقیلی، تاریخ آستانه ری، صص ۲۸۴-۲۸۲. گرچه عقیلی این سند را به عنوان گزارشی (گزارش) معرفی کرده، اما از جمله پایانی آن — «هر سال مثال و خطاب مجدد طلب ندارد» — به روشنی پیداست که این سند رونوشت فرمان صادره از سوی صدر بوده است. این نسخه اصلی نیست، بلکه رونوشت است؛ زیرا طغرای صدر به صورت «محل طغرا» کتابت شده و نام صادرکننده در آن نیامده است.

اسناد ثبت شده است. چهار وقف اول در فرمان سلطنتی شاه طهماسب به تاریخ ۱۵۴۴ م. ذکر شده‌اند که متعلق به بخش وقف قدیمی بودند.

۱-۶. وقف خلیفه شاه‌قلی مهرداد قبل از ۱۵۴۴ م.

او امیر قزلباش از قبیله ذوالقدر بود. پس از تصدی سمت پیشکارباشی (ایشیک آقاسی باشی)، در سال ۱۵۳۴-۱۵۳۳ م. به مهرداری دربار شاه طهماسب منصوب شد.^{۵۳} او همچنین هنگام درگذشت در سال ۱۵۵۸ محاکم قم بود.^{۵۴} وی وقفی به حرم اختصاص داد که شامل روستای استروها در ری می‌شد. یک سوم درآمد وقف باید به متولیان وقف بخش قدیم، سید خلیل‌الله و سید عنایت‌الله، اختصاص می‌یافت، و دو سوم باقیمانده برای مایحتاج حرم مصرف می‌شد.^{۵۵}

۲-۶. وقف میرغیاث الدین محمود نور کمال قبل از ۱۵۴۴ م.

خاندان نور کمال خانواده‌ای سرشناس از اصفهان بودند.^{۵۶} میرحیدر غیاث‌الدین محمود، برادر احمد بیگ صدراعظم (۱۵۳۴-۱۵۳۲ م.) بود. او خود عهده‌دار سمت وزیر خرد (وزیر جزء) بود. با این حال، او و برادرش از مقام خود برکنار شدند و گفته می‌شود اموالشان، به جز املاکی که در سال ۱۵۳۵-۱۵۳۴ م. در استان فارس برای عتبات عالیات وقف کرده بودند، مصادره شد.^{۵۷} املاک وقفی او برای آستان شاه عبدالعظیم، نیمی از روستایی به نام سید عبدالله‌عبیض در غار بود. متولیان وقف بخش قدیم، سید خلیل‌الله و سید عنایت‌الله، یک سوم از درآمد روستا را دریافت می‌کردند، در حالی که دو سوم باقیمانده برای فقرا و تعمیر و نگهداری حرم هزینه می‌شد.^{۵۸}

۵۳. قمی، خلاصه‌التواریخ، ص ۲۲۳.

۵۴. قمی، خلاصه‌التواریخ، ص ۳۹۴.

۵۵. هدایتی، آستانه ری، ص ۸۸.

۵۶. اسکندر بیگ، عالم‌آرای عباسی، ص ۱۶۰.

۵۷. قمی، خلاصه‌التواریخ، صص ۲۱۸، ۲۳۶، ۹۴۸.

۵۸. هدایتی، آستانه ری، ص ۸۸.

۶-۳. وقف حسین خان سلطان روملو قبل از ۱۵۴۴م.

او امیری قزلباش بود که در برخی جنگ‌ها علیه عثمانی شرکت کرده بود. در سال ۱۵۵۰/۱۵۵۱ م او حاکم چخور سعد بود.^{۵۹} او وقفی برای حرم شاه عبدالعظیم اختصاص داد که شامل یک باغ کوچک (باغچه) واقع در روستای وفسنار، غار بود. مشابه با دو وقف قبلی، یک سوم درآمد باید به متولیان وقف قدیم، سید خلیل الله و سید عنایت الله، تعلق می‌گرفت، در حالی که دو سوم باقی مانده برای مایحتاج حرم مصرف می‌شد.

۶-۴. وقف غازی خان تکلوقبل از ۱۵۴۴م.

او از امیران سرشناس قزلباش بود. شاه‌طهماسب در سال ۱۵۳۰م. او را به‌عنوان معلم بهرام میرزا، حاکم هرات، منصوب کرد. پس از سقوط تکلوها در سال ۱۵۳۱م، قاضی خان مجبور شد در سال ۱۵۳۲-۱۵۳۳ م. به عثمانیان پناهنده شود. او در سال ۱۵۴۱م. به دربار صفویان بازگشت و شاه به او تیولی در ولایت شیروان اعطا کرد.^{۶۰} موقوفه او یک‌سوم سهم از روستای جلال‌آباد در غار بود. متولیان وقف، سید خلیل‌الله و سید عنایت‌الله بودند، اگرچه سهم آن‌ها از درآمد مشخص نشده بود. درآمد وقف باید برای مایحتاج حرم صرف می‌شد.^{۶۱}

۶-۵. وقف زینب بیگم مورخ ۱۵۸۹م.

زینب بیگم، دختر شاه‌طهماسب، از زنان تأثیرگذار حرم شاه‌عباس بود و حتی

۵۹. قمی، خلاصه‌التواریخ، ص ۳۴۲. او هم‌چنان در سال ۹۶۲ق (۱۵۵۳-۱۵۵۴م) در منصب خود بود. اسکندر بیگ، عالم‌آرای عباسی، ص ۷۵.

۶۰. عبدی بگ شیرازی، تکلمات‌الانبار، به تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران، ۱۳۶۹ش/۱۹۹۰-۹۱م)، صص ۶۶، ۷۹؛ حسن روملو، احسن‌التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران، ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م)، صص ۳۰۵-۳۰۶، ۳۸۲؛ قمی، خلاصه‌التواریخ، صص ۲۱۶-۲۱۷، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۹۳.

۶۱. هدایتی، آستانه ری، ص ۹۰.

در شورای سلطنتی نیز حضور داشت.^{۶۲}

او وقفی برای حرم شاه عبدالعظیم با سهم سیزده از بیست و چهارم روستای خورازین در غار ایجاد کرد. متولی وقف، امیر مجدالدین متولی بن امیر ابراهیم حسینی، متولی قدیم حرم بود. پس از پرداخت هزینه‌های موردنیاز برای کشت و زرع، متولی باید یک سوم درآمد وقف را برای خود دریافت می‌کرد. مابقی درآمد وقف باید برای روشنایی، پرداخت هزینه ساختمان، فرش‌ها و حقوق کارکنان و قاریان قرآن استفاده می‌شد.^{۶۳}

این پنج وقف متعلق به بخش قدیم وقف حرم بوده و توسط خانواده سادات از متولیان قدیم اداره می‌شدند. اما وقف بعدی با آن‌ها متفاوت است.

۶-۶. وقف شاه عباس مورخ ۱۵۹۶ م

وقف‌های شاه‌عباس از سال ۱۶۰۲ تا ۱۶۱۴ م. توسط R. McChesney به‌خوبی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما به این وقف خاص اشاره‌ای نشده است.^{۶۴} سند وقف، به‌عنوان یک فرمان سلطنتی تنظیم شده است. این وقف منحصر به فرد است؛ زیرا نه به بخش وقف قدیمی و نه به بخش وقف جدید تعلق دارد. متولی وقف، فقیه مشهور، شیخ بهاءالدین عاملی معروف به شیخ بهایی و فرزندان اوست که حق التولیه آن‌ها یک‌دهم درآمد وقف است. این وقف شامل دو روستا است. روستای دستجرد در قزوین، وقف آستان علوی در نجف شده است. درآمد روستا باید بین زائران توزیع شود. روستای دوم، مردآباد در شهریار، وقف آستان عبدالعظیم شده است: درآمد

62. Maria Szuppe, "La participation des femmes de la famille royale à l'exercice du pouvoir en Iran Safavide au XVIe siècle (Seconde Partie)," *Studia Iranica* 24 (1995): 100-02.

۶۳. سند وقف زینب‌بیگم به تاریخ ذیقعد ۹۹۷ ق، در: هدایتی، آستانه ری، صص. ۹۳-۹۶.

64 -McChesney, "Waqf and Public Policy," 165-90.

آن باید برای غذای زائران و روشنایی صرف شود. سند وقف تصریح می‌کند که متولی باید اداره کامل وقف را به عهده بگیرد و صدرها نباید در وقف دخالت کنند.^{۶۵} به عبارت دیگر، این وقف خصوصی شاه بود که توسط فقیه موردعلاقه او، شیخ بهایی، اداره می‌شد، اگرچه مردآباد در فرمان سلطنتی اشرف افغان به تاریخ ۱۷۴۰ م. متعلق به بخش وقف جدید بود.^{۶۶}

۶-۷. وقف به نیابت از مسجد جامع جدید پیش از ۱۶۶۸-۱۶۶۹ م.

سند وقفی که عقلی منتشر کرده است، فاقد تاریخ است، اما از فرمان صدر به تاریخ ۱۶۶۸/۱۶۶۹ م. مشخص است که واقف، میرزا نظام‌الدین علی دوم، مسئول بخش وقف قدیمی حرم، در سال ۱۶۶۸/۱۶۶۹ م. درگذشته است.^{۶۷} او مسجد جامع جدیدی را در کنار مسجد قدیمی حرم بنا کرد و پنج مغازه در اطراف حرم را وقف آن کرد. سید مرتضی، امام جماعت حرم، به عنوان متولی این وقف منصوب شد.^{۶۸}

به عبارت دیگر، اگرچه این وقف توسط مسئول بخش وقف قدیمی حرم تأسیس شد، اما اداره آن در دست امام جماعت و نه متولیان حرم بود.

قابل توجه است که امیران قزلباش و یک دیوان سالار صفوی نیز برای حرم وقف‌هایی ایجاد کردند و وقف‌های آن‌ها با بخش وقف قدیمی حرم ادغام شدند. این نکته مهم است؛ زیرا ارتباط میان امیران قزلباش و نظام وقف در مطالعات قبلی هرگز مورد بحث قرار نگرفته است.^{۶۹} همچنین می‌توان گفت

۶۵. فرمان شاه عباس به تاریخ صفر ۱۰۰۵ ق، در: عقلی، تاریخ آستانه ری، صص ۲۷۳-۲۷۶.

۶۶. عقلی، «فرمان اشرف افغان»، ص ۸۴؛ همو، تاریخ آستانه ری، ص ۳۰۵.

۶۷. هدایتی، آستانه ری، صص ۹۹-۱۰۰.

۶۸. سند وقف میرزا نظام‌الدین علی دوم، بی‌تاریخ، در: عقلی، تاریخ آستانه ری، صص ۲۷۷-۲۷۹.

۶۹. در فهرست ۵۷ واقف در اصفهان صفوی، هیچ یک از امرای قزلباش دیده نمی‌شود. زهت احمدی، در باب اوقاف صفوی (تهران، ۱۳۹۰)، صص ۱۸۲-۱۷۸. طلایی از هشت وقف برای آستانه مشهد در دوران شاه تهماسب یاد می‌کند، اما هیچ‌یک از آن‌ها از سوی امیر

دومین اوج شکل‌گیری بخش وقف قدیمی در قرن شانزدهم رخ داد.

علاوه بر این، وقف شاه‌عباس و وقف مسجد جامع جدید، منحصر به فرد بودند؛ زیرا هیچ یک از آن‌ها به بخش وقف قدیمی یا جدید تعلق نداشتند. کل ساختار وقف حرم بسیار پیچیده بود: حداقل چهار نوع اداره وقف برای حرم در دوره صفویه وجود داشت. این به دلیل توسعه حرم تحت نظارت سلطنت قدرتمند شیعی بود که منجر به افزایش وقف‌های مستقل و تنوع در مدیریت آن‌ها شد.

۷. سازمان حرم

سندی به تاریخ ۱۷۳۲م. وجود دارد که حاوی جزئیاتی از هزینه‌های حرم است، اگرچه اولین و آخرین بخش‌های این سند گم شده‌اند.^{۷۰} باین حال، حداقل تعداد و حقوق کارکنان را به شرح زیر نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴ حقوق کارکنان حرم عبدالعظیم، ۱۷۳۲م

	تعداد	حقوق نقدی/هر نفر	حقوق کالایی/هر نفر
خادم ذوالاحترام	۴۴	د ۶۰۳۸ / د ۵۶۹۰ ت ۲۶	۳۲۰ خ من ۶۶ / خ ۷ من ۲۹
حافظ	۲۰	د ۵۰۰۰ / د ۵۲۵۰	۱۵۸ خ من ۶۲ / خ ۷ من ۹۳
فراش	۱۳	د ۲۰۰۰ / د ۹۲۳	۶۴ خ من ۳۵ / خ ۴ من ۹۵
همیشه‌کشیک	۲۹	د ۶۰۰ / د ۵۵۳۸ ت ۱۶	۱۷۱ خ من ۹۶ / خ ۹۳ من ۵
جمع	۱۰۶	د ۸۷۹۰ ت ۵۳	من ۳۳ خ ۷۱۶

قزلباش وقف نشده‌اند. طلائی، «ساختار سیاسی»، صص ۲۱۲-۲۱۳. همچنین در فهرست دیگری از ۳۴ وقف برای آستانه مشهد در فاصله ۹۹۴ تا ۱۱۰۱ ق. ۱۵۸۵/۱۷۲۲م. تنها یک مورد وقف از سوی امیر قزلباش ثبت شده است.

Sugiyama, "The Development and the Vaqf," 166-74.

۷۰. نسخه رونوشت این سند به تاریخ صفر ۱۱۴۵ ق در کتاب تاریخ آستانه ری اثر عقیلی منتشر شده است (ص ۳۰۸). عقیلی متن سند را در همان کتاب در صفحات ۱۷۴ تا ۱۷۸ بازنویسی کرده، اما مقادیر مربوط به مواجب کارکنان آستانه را که به خط سیاق نگاشته شده‌اند، قرائت نکرده است.

حقوق کارکنان حرم عبدالعظیم علاوه بر نقدینه (تومان و دینار)، شامل غلات (گندم و جو) نیز می‌شد. سلسله مراتب دقیق کارکنان چندان مشخص نیست. گروه حافظان قرآن (حفاظ) احتمالاً موقعیت متمایزی داشتند. کلمه حافظ چندین معنی دارد، اما در اینجا به نظر می‌رسد به قاریان قرآن کریم اشاره می‌کند. رئیس حافظان با عنوان صدرالحفاظ فقط حقوقی به صورت غله دریافت می‌کرد: ۱۳ خروار و ۵۰ من. باین حال، سه حافظ دیگر بالاترین حقوق نقدی را در این گروه دریافت می‌کردند: یک تومان و پنج هزار دینار. یکی از آن‌ها با عنوان حافظ حرم شناخته می‌شد که احتمالاً در صحن حرم به تلاوت قرآن می‌پرداخت.

به طور کلی، گروه فراش‌ها (پادوها) حقوق پایین‌تری نسبت به سایر گروه‌ها دریافت می‌کردند. رئیس فراش‌ها (فراش‌باشی)، بدیع‌الزمان، حقوقی معادل ۶۰۰۰ دینار و ۵ خروار و ۴۰ من داشت. فقط یک فراش دیگر حقوق نقدی دریافت می‌کرد. به احتمال زیاد، این گروه در پایین‌ترین رتبه کارکنان قرار داشتند. در دوره قاجار، وظیفه آن‌ها تمیزکردن صحن حرم بود.^{۷۱}

به نظر می‌رسد محترم‌الخدامان (خدام ذوالاحترام) موقعیت بالاتری نسبت به فراش‌ها داشته باشند، اما وظایف واقعی آن‌ها مشخص نیست. این گروه شامل یک خادم‌باشی (خادم‌باشی) و یک رئیس کشیک (سرکشیک) بود: حقوق اولی ۲ تومان و ۱۸ خروار و دومی ۱ تومان و ۱۰ خروار و ۸۰ من بود. باین حال، پردرآمدترین خادم، سید محمد خادم بود که ۴ تومان و ۶۲۸۰ دینار و ۱۳ خروار و ۷۶ من دریافت می‌کرد. دلیل آن مشخص نیست، اما شاید به نسب سیدی او مربوط باشد.

آخرین گروه، جماعت همیشه‌کشیک (گروه نگهبانان دائمی) شامل افراد مختلفی بود. بالاترین حقوق در میان همه کارکنان، ۶ تومان و ۲۷ خروار،

۷۱. «قوانین آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم» در کتاب شناختنامه، به کوشش صفی و زمانی‌نژاد، ص ۳۲۰.

توسط ملاعلی مدرس، استاد دریافت می‌شد. میرزا قوام‌الدین کلیددار حقوقی معادل ۳ تومان و ۱۸ خروار داشت. علاوه بر این، این گروه شامل یک کتابدار (کتابدار)، یک خطیب (واعظ)، دو بخورسوز (مدیر بخور)، یک سفره‌چی، چهار مؤذن، سه کشیک‌چی (نگهبان)، چهار سقا (آبدار)، یک سرکار عمارت (مدیر ساختمان)، یک عزب کتابخانه (کارمند کتابخانه)، یک قاپوچی (نگهبان دروازه)، دو کفشدار، دو باغبان، دو نقاره‌چی (طبل‌زن)، یک سلمانی (آرایشگر) و غیره بود. باتوجه‌به رویه قاجاریه، این گروه احتمالاً وظیفه خاصی داشتند که یک‌بار در هفته یا بیشتر در تمام شب در کنار مقبره بمانند.

از این سند همچنین مشخص است که برخی از طلاب در مدرسه و صحن حرم تحصیل می‌کردند. ۲۸ خروار غله به طلاب صحن حرم و خارج به‌عنوان مقرری (حقوق ثابت) و همچنین به‌ترتیب ۱۲ خروار و ۱۲ خروار و ۵۰ من نیز به طلاب صحن و مدرسه پرداخت می‌شد.

تعداد کل کارکنان، ۱۰۶ نفر، در مقایسه با حرم مشهد که در سال ۱۱۴۷ ق. ۶۵۲ نفر کارمند داشت، بسیار اندک است.^{۷۲} نکته جالب در این سند این است که تمام حقوق داده شده به کارکنان توسط فرمان‌هایی تعیین می‌شد که عمدتاً به محرم یا صفر ۱۱۴۵ ق. تاریخ‌گذاری شده بودند. مشخص نیست که آیا این فرمان‌ها توسط ناظر وقف حرم صادر شده‌اند یا شاه. اگر این فرمان‌ها توسط شاه‌طهماسب دوم، شاهی که تحت حمایت نادرشاه بعدی قدرت سیاسی واقعی نداشت، صادر شده باشند، باز هم نشان‌دهنده توجه او به پرداخت حقوق کارکنان حرم است.

۸. دوره قاجار

سلسله قدرتمند شیعه صفویه، نظارت خود بر حرم شاه عبدالعظیم را از طریق ایجاد بخش وقف جدید، سیورغال‌ها و احکام سلطنتی و صدارتی گسترش

72. Sugiyama, "The Development and the Vaqf," 60

داد. با این فرض، تفاوت سلسله صفویه با سلسله‌های بعدی مانند قاجار در اداره حرم چیست؟

تا آغاز دوره قاجار، تفاوت بین موقوفات قدیمی و جدید از بین رفته بود. خانواده سادات که ادعا می‌کردند از نسل سید شرف‌الدین حسین هستند، دست‌کم از سال ۱۸۰۰ میلادی به بعد، متولی کل موقوفات آستان شاه عبدالعظیم شدند. این خانواده تا سال ۱۸۷۲ این موقعیت را حفظ کردند. اگرچه سمت صدرالدین در دوران قاجار وجود نداشت، اما حداقل شاهان با صدور احکام سلطنتی، اعضای خانواد سادات را به‌عنوان متولی موقوفات آستان منصوب می‌کردند.^{۷۳} قاجارها همچنین به بازسازی آستان نیز پرداختند؛ فتح‌علی‌شاه (حکومت ۱۷۹۷-۱۸۳۴ م.) در سال ۱۸۰۷-۱۸۰۸ م. ضریح نقره‌ای را به حرم اهدا کرد و ناصرالدین‌شاه (حکومت ۱۸۴۸-۱۸۹۶ م.) در سال ۱۸۵۳-۱۸۵۴ م. گنبد حرم را طلاکاری نموده و دو مناره نیز در آنجا ساخت.^{۷۴}

مشکل بزرگی که وجود داشت این بود که املاک وقفی آستان شاه عبدالعظیم به طور قابل توجهی کاهش یافته بود. سند سجل دیوان و موقوفات مربوط به سال ۱۸۴۳-۱۸۴۴، تنها به دو روستا به‌عنوان املاک وقفی آستان اشاره می‌کند: زرگنده و اسکله. این دو روستا طی دوره‌ی صفویه به بخش موقوفات جدید تعلق داشتند. سه روستای وقفی دیگر، مفتان، ایلمان و علایی، تحت نظارت حکومت (دیوان) بودند و همگی جزو موقوفات قدیمی محسوب می‌شدند. علاوه بر این، مغازه‌ها و کاروان‌سراهای وقفی نزدیک به آستان (رباط و خان) نیز تحت نظارت حکومت قرار داشتند. مشکلات فزاینده از این هم می‌رفت. یک روستای وقفی به نام استوریه به املاک خالصه (سلطنتی) تبدیل شده و به‌عنوان تیول (حق درآمد از مالیات) به یک افسر

۷۳. نمونه‌هایی از فرمان‌های سلطنتی را می‌توان در منابع زیر مشاهده کرد: هدایتی، آستانه‌ی ری، صص ۱۱۱-۱۱۲، ۱۱۷-۱۱۸، ۱۲۶-۱۲۵؛ و عقیلی، تاریخ آستانه‌ی ری، صص ۳۴۵-۳۴۲، ۳۶۰-۳۵۶.

۷۴. کجوری، روح و ریحان، جلد ۴، صفحه ۱۱۲؛ سید محمد تقی مصطفوی، آثار تاریخی تهران: اماکن متبرکه، به کوشش میر هاشم محدث (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۱۶۱.

بخشیده شده بود. روستای وقفی قدیمی دیگری به نام حسینه نیز عملاً به مالکیت خصوصی درآمده بود.^{۷۵} به نظر می‌رسد علت اصلی این وضعیت، مصادرة املاک وقفی توسط نادرشاه و آشفتگی سیاسی قرن هجدهم بوده است.

آستان شاه عبدالعظیم پس از مصادره‌های املاک، اقداماتی برای بازپس‌گیری آن‌ها انجام داد. در سال ۱۸۵۳م، ناصرالدین‌شاه با صدور فرمانی، یک کاروان‌سرای سلطنتی نزدیک به آستان را از املاک خالصه خارج و وقف آستان کرد.^{۷۶} در سال ۱۸۵۹-۱۸۶۰م. نیز درآمد حاصل از ۲۶ مغازه در بازار مقابل آستان با حکم سلطنتی و اقدامات دیگر، به آستان تعلق گرفت.^{۷۷} همچنین آستان پیش از ۱۸۷۴م، توانست چهار روستای مفتان، ایلمان، علایی و حسنه را دوباره به وقف برگرداند. با این وجود، بر اساس سند مالی ۱۸۷۴-۱۸۷۵م، از ۲۳ روستای وقفی دوره‌ی صفویه، تنها هفت روستا تا آن زمان باقی مانده بودند؛ یعنی آستان بیش از دو سوم روستاها را از دست داده بود. علاوه بر این، تنها دو روستا طی قرن نوزدهم به املاک وقفی آستان اضافه شده بود.^{۷۸} گرچه ۸ وقف جدید مربوط به آستان ایجاد شد، اکثر آن‌ها فقط برای تأمین هزینه‌های مراسم عزاداری در آستان بودند.

سند مالی مربوط به سال ۱۸۷۴-۱۸۷۵م. نشان می‌دهد در آن سال‌ها، تنها ۸۱ نفر کارمند در آستان مشغول به کار بودند.^{۷۹} به عبارت دیگر، تعداد

۷۵. صورت خالصات و موقوفات و رقابت، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۶۱۹، صص ۱۵۲-۱۵۳، ۱۶۵، ۱۶۶.

۷۶. فرمان ناصرالدین‌شاه به تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ هجری قمری، در هدایتی، آستانه‌ی ری، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۷۷. فرمان ناصرالدین‌شاه به تاریخ جمادی‌الاول ۱۲۷۶ هجری قمری، در کتاب «مهد علیا به روایت اسناد» به تصحیح عبدال حسین نوایی (تهران، ۱۳۸۳/۱۹۹۴-۵)، صص ۳۳-۳۵؛ سند وقف، فروش و اجاره به تاریخ ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۶ هجری قمری در همان کتاب، صص ۳۰-۳۳؛ و همچنین در عقیلی، تاریخ آستانه‌ی ری، صص ۳۳۶-۳۳۹.

۷۸. عقیلی، تاریخ آستانه‌ی ری، صص ۳۴۷-۳۴۸.

۷۹. همان، صص ۳۴۹-۳۵۲.

کارکنان حدود سه چهارم تعداد کارکنان در سال ۱۷۳۲ م. بوده است. پس از سال ۱۸۷۷ م، قاجاریان به جای یک سادات از داخل آستان، یک دیوان سالار حکومتی را به عنوان متولی موقوفات منصوب کردند.^{۸۰} به نظر می‌رسد شاه بر این باور بوده که متولی باید فردی توانمند باشد تا بتواند اداره موقوفات را به خوبی مدیریت کند. در واقع، اداره موقوفات در اواخر قرن نوزدهم به خوبی بهبود یافت: درآمد موقوفات افزایش یافت و آستان کارکنان بیشتری استخدام کرد.^{۸۱} برخلاف صفویه، قاجاریان در ۹۰ سال نخست حکومت خود، چندان به مدیریت مستقیم آستان توجهی نداشتند. پس از سقوط صفویه، بازیابی درآمد و تعداد کارکنان برای آستان زمان زیادی طول کشید.

۹. نتیجه گیری

تاکنون، تاریخ آستان شاه عبدالعظیم و وقف آن را شرح دادم. وقف این آستان به دلیل احترام و ارادت قابل توجه شیعیان به شاه عبدالعظیم، به مدت شش قرن به کار خود ادامه داد. بااین حال، شرایط پیرامون آستان و وقف در طول زمان بسیار متفاوت بود. پیش از صفویه، هیچ حاکم قدرتمندی به طور جدی به وقف آستان متعهد نبود. آستان در قرن چهاردهم در دست سادات محلی بود. آن‌ها پنج روستای وقفی به آستان اختصاص دادند و عواید پنج روستای وقفی دیگر را به عنوان متولی وقف دریافت می‌کردند. واقفان غیر از سادات، یک حاکم محلی، یک امیر اویغور و یک پیر بودند.

با ظهور صفویه، وضعیت به طور چشمگیری تغییر کرد. شاه طهماسب پس از سرکوب فرقه نوربخشیه، به شدت در اداره آستان دخالت کرد. او وقف‌های سلطنتی ایجاد و برای آن‌ها بخش وقف جدیدی تأسیس کرد، درحالی‌که فرزندان سادات هم‌چنان نظارت وقف‌های قدیمی را در اختیار داشتند. بخش جدید شامل هشت روستای وقفی، یک آسیاب آبی وقفی، مغازه‌ها و درآمد مالیاتی از روستاهای وقفی دیگر بود. شاهان صفوی برای اداره این بخش

۸۰. فهرست مدیران منصوب شده دولتی در «قوانین آستانه» ص ۳۱۷ وجود دارد.

۸۱. مطالعه جامع‌تر این وضعیت فراتر از چارچوب این مقاله است.

جدید، عالمان یا سادات را منصوب می‌کردند. آن‌ها همچنین درآمد مالیاتی از روستاهای وقفی را به‌عنوان سیورغال به آستان اختصاص می‌دادند. هر دو بخش وقف جدید و قدیم تحت نظارت حکومت بودند. صدر، احکامی صادر می‌کرد و بررسی (نساق) املاک وقفی را انجام می‌داد: آن‌ها از وضعیت وقف آگاه بودند و حتی متولی بخش وقف قدیمی را برای نحوه خرج درآمدهای وقفی راهنمایی می‌کردند. حتی حقوق کارکنان آستان نیز با فرمان سلطنتی تعیین می‌شد.

نه تنها حکومت، بلکه افراد مختلف نیز وقف‌هایی به نام آستان شاه عبدالعظیم ایجاد کردند. قابل توجه است که سه امیر قزلباش املاک خود را وقف آستان کردند. با حمایت حکومت و افراد، آستان در اواخر دوره صفویه رونق زیادی پیدا کرد و بیش از صد نفر کارمند داشت.

سقوط صفویه ضربه سختی به آستان وارد کرد. به دلیل سیاست مصادره املاک وقفی توسط نادرشاه و آشفتگی سیاسی در قرن هجدهم، آستان شاه عبدالعظیم بسیاری از املاک وقفی خود را از دست داد. آستان برخی از آن‌ها را پس گرفت، اما در سال ۱۸۷۴-۱۸۷۵م، تنها یک سوم روستاهای وقفی پیش از ۱۷۲۸ م. را در اختیار داشت. قاجاریان، حداقل در نوزده سال نخست، توجه چندانی به آستان نشان ندادند. آن‌ها جایگزین حکومت صفویه در مدیریت وقف نشدند و تفکیک بین بخش‌های وقف قدیمی و جدید از بین رفت. آن‌ها درست مانند پیش از دوره صفویه، تمام املاک وقفی را تا سال ۱۸۷۲ م. به خانواده قدیمی سادات سپردند. تعداد کارکنان نیز به سه چهارم تعداد کارکنان در دوره صفویه کاهش یافت.

به طور واضح، حکومت صفویه تعهد و توجه قابل توجهی به آستان شاه عبدالعظیم و وقف آن داشت. این تعهد را می‌توان با نظارت و دخالت حکومت‌های مدرن در امور مذهبی مقایسه کرد. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد نظارت صفویه بر آستان، ایجاد دو بخش وقف جدید و قدیمی

بود. این نظام مزیت مهمی داشت: بدون نقض شرایط وقف‌های قدیمی، نظارت مؤثری بر آستان فراهم می‌کرد. در مقابل، نظام جدیدی که قاجارها پس از ۱۸۷۷ م ایجاد کردند، با مخالفت برخی از فقهای برجسته روبرو شد. جالب است که نظام دوگانه وقف صفویه در آستان‌های قم و اردبیل نیز وجود داشته است، اما به نظر می‌رسد در مشهد چنین سیستمی وجود نداشته است.^{۸۲}

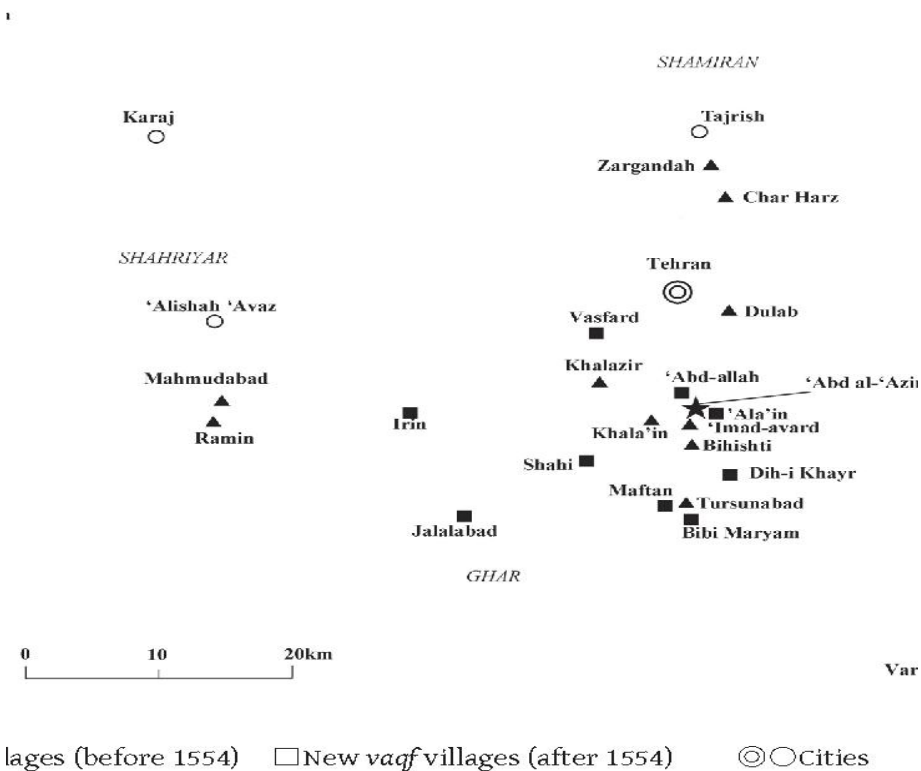
دگرگونی موقعیت سادات در مدیریت آستان شاه عبدالعظیم قابل بررسی است. خانواده‌ی سادات در قرن چهاردهم به اندازه‌ای مورد احترام بودند که بدون حمایت حکومتی، املاک وقفی بزرگی را اداره می‌کردند. صفویان نه تنها موقعیت متولی وقف قدیمی را تأیید کردند، بلکه برخی دیگر از سادات را نیز به عنوان متولی بخش‌های جدید وقف منصوب کردند. قاجاریان نیز در ابتدا متولی وقف را از خانواده‌ی سادات انتخاب کردند، اما در اواخر قرن نوزدهم، آستان را به دیوان سالاران و حکام غیر سادات سپردند؛ قاجاریان همچنین در نیمه اول قرن نوزدهم، انتخاب سادات به عنوان متولی آستان مشهد را متوقف کردند.^{۸۳} به نظر می‌رسد قاجاریان بیش از نسب سادات یا حق قانونی خانواده، به مدیریت مؤثر بر آستان اهمیت می‌دادند.

نکته‌ی دیگری که شایان توجه است، نقش علما در تاریخ این آستانه است. به جز شیخ بهایی که از سوی شاه عباس به اداره یکی از موقوفات خرد منصوب شد، هیچ‌یک از علمای برجسته در مدیریت یا فعالیت‌های آستانه. برای قم، رجوع شود به مدرسی طباطبایی، تربت پاکان (قم، ۱۳۳۵/۱۹۵۶)، ج ۱، صص ۱۹۸-۲۰۲ و ۲۴۲-۲۴۹. برای اردبیل، برت فرانگر، «اردبیل میان سلطان و شاه. ده سند شاه طهماسب دوم»، در مجله ترکیکا، شماره ۶ (۱۹۷۵)، صص ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۶ و ۲۰۰-۲۰۱. فهرست متولیان وقف آستان قدس رضوی در مشهد به هیچ اداره وقف قدیمی یا جدیدی اشاره نمی‌کند. ن. ک. به: ابو الفضل حسن آبادی، «متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا افشاریه»، دفتر اسناد، دوره ۲، شماره ۳ (۱۳۸۵/۱۹۹۶-۱۹۹۷)، صص ۸۷-۱۰۲. ۸۳. ابو الفضل حسن آبادی و علی یحیایی، «تولیت»، در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دائرةالمعارف آستان قدس رضوی، ج ۱ (مشهد، ۱۳۹۳/۲۰۱۴-۲۰۱۵)، صفحات ۳۱۳-۳۱۴.

مربوط به این آستانه مشارکتی نداشتند. از آنجا که وقف جدید آستان شاه عبدالعظیم توسط متولیان منصوب حکومت اداره می‌شد، ممکن است برخی از علما، مانند ملا خلیل‌الله قزوینی، این سمت را به عهده گرفته باشند، اگرچه حکم اشرف، متولیان را سادات معرفی می‌کند. همچنین یک استاد، ملاعلی، بالاترین حقوق را در سال ۱۷۴۰ دریافت می‌کرد. با این حال، از نظر مدیریت آستان، سادات نقش مهم‌تری از علما داشتند. پس از ۱۷۲۲، علما بیشتر به عنوان متخصصان حقوقی درگیر امور آستان شدند. تا سال ۱۷۲۹، یک مجتهد به جای صدر، اسناد مربوطه را بررسی و موقعیت متولی وقف قدیمی را تأیید می‌کرد.^{۸۴}

در دوره صفویه، با حمایت گسترده حکومت، آستان از یک حرم محلی به یکی از برجسته‌ترین اماکن متبرکه‌ی امپراتوری تبدیل شد. سیاست‌های صفویان نقش بسیار مهمی در این شکوفایی داشت. تأثیرگذاری صفویه در تاریخ ایران بسیار گسترده بود و آستان شاه عبدالعظیم نمونه‌ای از دستاوردهای آن‌ها محسوب می‌شود. پس از سقوط صفویه، شرایط پیرامون آستان به سرعت تغییر کرد. این تغییر سریع و مقایسه آن باثبات و شکوفایی دوران صفویه، آستان را به موضوعی جذاب و پرتطرف‌دار برای پژوهشگران تبدیل کرده است.

۸۴. فرمان شاه طهماسب دوم در هدایتی، آستانه ری، صص ۱۰۱-۱۰۳. این فرمان دارای مهر طهماسب دوم بود اما تاریخی که در سند آمده است، ربیع‌الثانی ۱۱۲۰ ق.، با دوره سلطنت او تطابق ندارد. از آنجا که مدیر در پنجمین ماه سال «خوک» منصوب شده بود، تاریخ درست باید سال ۱۱۴۲ ق. (معادل ۱۷۲۹ م.) باشد.



نقشه-روستاهای وقفی شاه عبدالعظیم

منابع:

افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، قم، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۰-۱۹۸۱ م.

عقیلی، عبدالله، تاریخ آستانه ری، قم، ۱۳۸۰ ش/ ۱۹۹۱-۱۹۹۲ م.

عقیلی، عبدالله، «فرمان اشرف افغان و موقوفات آستانه حضرت عبدالعظیم»، وقف، میراث جاویدان، ش ۲۸، ۱۳۷۸ ش/ ۲۰۰۰ م.

قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض: بعض مسأله النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تصحیح: میر جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۵۸ ش/ ۱۹۸۰ م.

سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۸۳ ش/۲۰۰۴ م.

عدی بیگ شیرازی، تعلیمات الاخبار، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۶۹ ش/۱۹۹۰-۱۹۹۱ م.

نوایی، عبدالحسین (تصحیح)، مهد علیا به روایت اسناد، تهران، ۱۳۸۳ ش/۱۹۹۴-۱۹۹۵ م.

ابوالفضل حسن آبادی و علی یحیی، «تولیت»، در: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دائرالمعارف آستان قدس رضوی، ج ۱، مشهد: ۱۳۹۳/۲۰۱۵-۲۰۱۴ م.

ابوالفضل حسن آبادی، «متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفوی تا افشاریه»، دفتر اسناد، ش ۳/۲، ۱۳۸۵ ش/۱۹۹۶-۱۹۹۷ م.

قاشانی، ابوالقاسم، تاریخ اولجایتو، تصحیح: مهین حمیلی، تهران، ۱۳۸۴ ش/۲۰۰۵ م.

طهرانی، ابوبکر، کتاب دیاربکریه، تصحیح: نجدی لوغال و فاروق سومر، آنکارا، ۱۹۹۹.

آملی، اولیاءالله، تاریخ رویان، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۸ ش/۱۹۶۹ م.

دایره جغرافیایی ستاد ارتش، فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی/۱۹۷۶-۱۹۷۷ م.

خواندمیر، غیاث‌الدین، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۶۲ ش/۱۹۸۴ م.

روملو، حسن، احسن التواریخ، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۵۷ ش/۱۹۷۹ م.

مدرسی طباطبایی، حسین، مثال‌های دوره صفویه، قم، ۱۳۵۳ ش/۱۹۷۴ م.

واعظ کاشفی، حسین، روضة الشهداء، تهران، ۱۳۴۹ ش/۱۹۷۰-۱۹۷۱ م.

ابن قولویه، کامل‌الزیارات، نجف، ۱۳۵۶ ق/۱۹۳۷-۱۹۳۸ م.

منشی، اسکندر بیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح: ایرج افشار، تهران، ۱۳۳۴ ش/۱۹۵۶ م.

اسماعیل بن عباد، «رسال‌های در فضیلت عبدالعظیم»، در: شناخت‌نامه حضرت عبدالعظیم حسنی و شهر ری، به کوشش: سید مجتبی صفی و علی‌اکبر زمانی‌نژاد، قم، ۱۳۸۲.

ش/۲۰۰۳ م.

مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم، قم، ۱۳۸۲ ش/۲۰۰۳ م، ۲۷ جلد.

مرعشی، میر تیمور، تاریخ خاندان مرعشی مازندران، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی/۱۹۷۷-۱۹۷۸ م.

میرزا رفیع انصاری، «دستورالملوک»، تصحیح: ایرج افشار، در: دفتر تاریخ، ج ۱، تهران، ۱۳۸۰ ش/۲۰۰۱-۲۰۰۲ م.

مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، قم، ۱۳۳۵ ش/۱۹۵۶ م.

هدایتی، محمدعلی، آستانه ری: مجموعه اسناد و فرامین، تهران، ۱۳۴۴ ش/۱۹۶۵-۱۹۶۶ م.

واعظ کوجوری، محمدباقر، روح و ریحان یا جنة النعیم و العیش السلیم، تصحیح: سید صادق حسینی اشکوری، قم، ۱۳۸۲ ش/۲۰۰۳ م.

وحید قزوینی، محمد طاهر، تاریخ جهان آرای عباسی، تصحیح: سید سعید میر محمدصادق، تهران، ۱۳۸۳ ش/۲۰۰۵ م.

احمدی، نزهت، در باب اوقاف صفوی، تهران، ۱۳۹۰ ش/۲۰۱۱ م.

پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (بهکوشش)، دایره المعارف تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۲: بناهای آرامگاهی، تهران، ۱۳۷۸ ش/۱۹۹۸-۱۹۹۹ م.

قمی، قاضی احمد، خلاصة التواریخ، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، ۱۳۵۹ ش/۱۹۸۰ م.

«قوانین آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم»، در: شناخت نامه، بهکوشش صفی و زمانی نژاد، ص ۳۲۰.

مصطفوی، سید محمد تقی، آثار تاریخی تهران: اماکن متبرکه، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۶۱ ش/۱۹۸۳ م.

صورت خالصجات و موقوفات و رقبات، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۷۶۱۹.

رضایی، امید، جستارهایی در سندشناسی فارسی، تهران، ۱۳۸۵ ش/۲۰۰۶ م.

حموی، یاقوت، معجم البلدان، تصحیح: فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، بی تا.

زهرا طلائی، «ساختار سیاسی و نظام حمایت‌گری آستان قدس رضوی در دوره سلطنت شاه تهماسب»، ایران، شماره ۵۲ (۱۳۹۳).

Akio Iwatake, "The Waqfs of the Nizam Family in Fourteenth-Century Yazd (in Japanese)," *Shirin* 72 (1989).

Ann Lambton, "Awqaf in Persia: 6th–8th/12th–14th Centuries," *Islamic Law and Society* 4 (1997).

Bert, "Ardabil zwischen Sultan und Schah. Zehn Urkunden Schah Tahmasp II," *Turcica* 6 (1975).

Klaus-Michael Röhrborn, *Provinzen und Zentralgewalt Persiens im 16. und 17. Jahrhundert*, Berlin, 1966.

Maria Szuppe, "La participation des femmes de la famille royale à l'exercice du pouvoir en Iran Safavide au XVI^e siècle (Seconde Partie)," *Studia Iranica* 24 (1995).

May Farhat, "Islamic Piety and Dynastic Legitimacy: The Case of the Shrine of Ali al-Rida in Mashhad (10th–17th Century)" (Ph.D. dissertation, Harvard University, 2002).

May Farhat, "Shi'i Piety and Dynastic Legitimacy: Mashhad under the Early Safavid Shahs," *Iranian Studies* 47 (2014).

Robert D. McChesney, "Waqf and Public Policy: The Waqfs of Shah 'Abbas, 1011–1023/1602–1614," *Asian and African Studies* 15 (1981).

Ryuichi Sugiyama, "The Development and the Waqf of the Imam Reza Shrine from the late Safavid to the late Qajar Periods (in Japanese)" (Ph.D. dissertation, Keio University, 2010).

Shahzad Bashir, *Messianic Hopes and Mystical Visions: The Nurbakhshiya between Medieval and Modern Islam*, Columbia University Press, 2003.

Tomoko Morikawa, "The Mausoleum City of Mashhad-i Muqaddas under Safavid Rule (in Japanese)," *Shirin* 80 (1997).

Willem Floor, *A Fiscal History of Iran in the Safavid and Qajar Periods, 1500–1925*, New York, 1998.

Willem Floor, “The Sadr or Head of the Safavid Religious Administration, Judiciary and Endowments and Other Members of the Religious Institution,” *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 150 (2000): 461–500.

Wilfred Madelung, *Encyclopaedia Iranica*, s.v. “‘Abd al-‘Azim al-Hasani” by ‘Aqili, *Tarikh-i Astanah-i Ray*, p. 51.

Wilfred Madelung, *Encyclopaedia Iranica*, s.v. “Da‘i al-Haqq, Abu ‘Abd Allah Mohammad”.

Yukako Goto, “Der Aufstieg zweier Sayyid-Familien am Kaspischen Meer: ‘Volksislamische’ Stromungen in Iran des 8/14. und 9/15. Jahrhunderts,” *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes* 89 (1999): 45–84.